



اخلاق داوری علمی

نویسنده: فرامرز قراملکی، احد
علوم اجتماعی :: راهبرد فرهنگ :: زمستان 1388 و بهار 1389 - شماره 8 و 9 (علمی-
پژوهشی)
از 7 تا 20

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/859490>

دانلود شده توسط : زهرا سادات مدرسی
تاریخ دانلود : 1392/12/17 07:02:57

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

داوری علمی در فعالیتهای پژوهشی و آموزشی نقش راهبردی دارد. برحسب گوناگونی این فعالیتهای، داوری علمی تنوع عرضی می‌یابد. داوری در تنوع طولی به داوری درجه اول و درجه دوم تقسیم می‌شود. توجه به این تنوع طولی نقش مهمی در دغدغه‌های اخلاقی داوران دارد. داوری علمی از طرفی با تولید علم در کشور و توسعه دانشگاه‌ها (منافع ملی و سازمانی) و از طرف دیگر با حقوق اعضای هیئت علمی ارتباط دارد. داوری علمی محتاج دوگونه ترازو است: داوری درست (مصاب به واقع) و داوری اخلاقی (به دور از اجحاف به حقوق افراد و منافع ملی و سازمانی). در این مقاله پس از تعریف داوری علمی و بیان گونه‌های آن به ارائه اصول عمده داوری درست و نیز داوری اخلاقی می‌پردازیم. در هر دو مورد، مطالعه به شیوه تحلیلی - منطقی انجام می‌شود.

■ واژگان کلیدی:

داوری علمی، داوری درجه اول، داوری درجه دوم، داوری درست، داوری اخلاقی

اخلاق داوری علمی

احد فرامرز قراملکی

دانشیار دانشگاه تهران

ghmaleki@ut.ac.ir

۱. طرح مسئله

علم و داوری اخلاقی ارتباط دوسویه دارند. از طرفی رشد و توسعه علم مرهون داورهای اخلاقی است و از طرف دیگر علم ابزار داوری به دست می‌دهد (ادل^۱، ۱۹۵۵: ۳۴۸ و کرتز^۲، ۲۰۰۴). داوری گونه‌ای رفتار ارتباطی است که هم به نحو بسیار متنوعی رواج دارد و هم در زندگی فردی و اجتماعی سخت مؤثر و در مواردی سرنوشت‌ساز است. داوری ابعاد گوناگون دارد. توجه به برخی از ابعاد آن ضرورت بحث از آسیب‌پذیری اخلاقی در آن را نشان می‌دهد: داوری امری زمینه وابسته است و به تبع تنوع زمینه‌ها، گوناگونی می‌یابد. گونه‌های مختلف داوری، مباحث خاص اخلاقی را به میان می‌آورد. امروزه داوری از مفهوم عرفی فراتر رفته و به صورت یک حرفه درآمده است. مفهوم حرفه‌ای داوری به داوری حقوقی (قضا) محدود نیست بلکه شامل داوری در نظام‌های جامع ارزیابی منابع انسانی، الگوهای ممیزی سازمان‌ها، داوری ورزشی، داوری علمی و امثال آنها می‌شود.

مسئله پژوهش حاضر شناخت آسیب‌پذیری اخلاقی در داوری علمی و ارائه اصولی برای پیشگیری و درمان آسیب‌های داوری است. رهیافت این مقاله، مبانی و آموزه‌های اسلامی است. اگرچه در زمینه اخلاق داوری و داوری اخلاقی مطالعات متعددی با مبانی غیراسلامی منتشر شده است اما با رهیافت اسلامی تاکنون مطالعه نظام‌مندی منتشر نشده است.^۳ همچنین در زمینه‌های وابسته همچون اخلاق نقد (اسلامی، ۱۳۸۳)، اخلاق مناظره (اسلامی، ۱۳۸۹ الف) و اخلاق مخالفت (اسلامی، ۱۳۸۹ ب) مطالعات نظام‌مندی منتشر شده اما در اخلاق داوری تاکنون مطالعه نظام‌مندی به زبان فارسی منتشر نشده است.

۲. تحلیل مفهومی داوری

واژه داوری در زبان فارسی به معانی مختلف به کار می‌رود: قضا، حکومت، حکم دیوانی کردن، حکمیت، محاکمه کردن (برهان)، یکسو نمودن میان نیک و بد (شرفنامه)، حکم میان دو خصم (منتهی‌الادب)، خصومت، نزاع، کینه و دشمنی (دهخدا) از معانی این واژه‌اند. همچنین در لغت فارسی داور، یکی از اسماء خدا است.

یکی از عقل می‌لafd یکی طامات می‌یافت بیا کاین داوری‌ها را به پیش داور اندازیم مراد ما از داوری در اینجا، شامل همه موارد ذکر شده جز کاربردهای اخیر (خصومت، نزاع، کینه و دشمنی) است. داوری در این معانی بیش و کم با قضا، حکمیت در عربی و judgment در انگلیسی هم معنا است. داوری در این معانی صرفاً به نحو اشتراک لفظ نیست بلکه ارتباط

1. Edel

2. Kurtz

۳. این سخن شامل اخلاق دادرسی و اخلاق قضا نمی‌شود. در این خصوص مطالعات فراوانی منتشر شده است. در باب داوری به طور کلی از منظر اسلامی نیز مجموعه چهل حدیث منتشر شده است: محمدحسین بریموندی. (۱۳۸۹). داوری. قم: انتشارات زائر.

مفهومی بین معانی یاد شده وجود دارد. داوری غالباً فعل مسبوق به سنجش و تحلیل است که تردید، بلاتکلیفی و نزاع را رفع می‌کند. کسی در انتخاب بین دو امر و یا گزینش بین دو شخص مردد است و داوری شما را می‌طلبد. داوری در این مقام به معنایی است که در شرفنامه آمده است: یکسو نمودن میان نیک و بد. البته نیک و بد در این معنا، از باب نمونه است و آن را باید در مفهومی اعم و شامل حق و باطل، شایست و ناشایست: ادق و کاذب، روا و ناروا بدانیم. داوری در این معنا بررسی و رسیدگی است و می‌تواند یکسو نمودن میان بد و بدتر و یا خوب و خوب‌تر نیز باشد. چنین مفهوم عامی را در قضا، حکومت، حکمیت، حکم میان دو خصم نیز می‌توان یافت. این مفهوم عام را می‌توان هسته اصلی مفهوم داوری دانست و موارد ذکر شده را گونه‌ها و یا مصادیق آن انگاشت. در ابیات زیر چنین مفهومی از داوری آمده است:

چو برجستی از برتری کمتری	ببد گوهر و ناسزا داوری (فردوسی)
در این داوری کاوری راه پیش	رضای خدا بین ز آرم خویش (نظامی)
ستم‌کاران را مکن یآوری	که پرسند روزیت از این داوری (نظامی)

داوری به معنای یکسو نمودن امور متخالف و متشابه از خوب و بد و امثال آنها اساساً فرایند ذهنی از گونه تفکر است که به جامه زبان و به شکل گزاره بیان می‌شود. هر داوری در شکل یک حکم و گزاره به میان می‌آید. البته این سخن انعکاس ندارد یعنی هر گزاره‌ای داوری نیست. مفهوم داوری با مفهوم نقد مرتبط است اما این ارتباط نباید موهم یکسان انگاری این دو امر گردد. برخی از سازمان‌ها بر تمایز این دو امر تأکید دارند.^۱ همچنین با ممیزی، سنجش و ارزیابی^۲ ارتباط دارد. ارزیابی فرایندی است که به داوری می‌انجامد. اما هر داوری لزوماً حاصل ارزیابی نیست. همچنین این مفهوم با مفهوم میانجی‌گری^۳ به منزله یکی از معروف‌ترین شیوه‌های مدیریت اختلاف^۴ ارتباط دارد. میانجی‌گری ناگزیر از داوری در امر مورد اختلاف طرفین است. موفقیت میانجی‌گری در گرو داوری شایسته است.

۳. نقش تمایز داوری درجه اول و درجه دوم در اخلاق داوری

همان‌گونه که داوری بر حسب متعلق خود به تعدد عرضی اقسام فروانی دارد، به تعدد طولی نیز حداقل دو گونه داوری قابل تمایز است: داوری درجه اول و داوری درجه دوم، مراد از داوری درجه دوم، داوری بر داوری است، یعنی داوری که متعلق آن خود داوری است. فرد الف فعالیت علمی ارائه می‌دهد و فرد ب یا گروه ب به داوری در آن می‌پردازند (داوری درجه اول) اگر کسی (ج) یا کسانی درباره داوری ب به داوری بنشینند، در واقع داوری درجه دوم

۱. نک: هیئت کرسی‌های نظریه‌پردازی، آیین‌نامه.

2. Assessment

3. Mediation

4. Conflict Management

تفصیل سخن در این مقام: گرشاسبی، اصغر. (۱۳۸۸). هنر و فن میانجی‌گری. تهران: نشر مهاجر.

انجام می‌دهند. پس داوری متعلق به داوری را درجه دوم می‌خوانیم و داوری غیر متعلق به داوری را درجه اول می‌انگاریم.

داوری درجه دوم صورت‌های مختلف دارد: داوری رسمی که غالباً به درخواست فرد صاحب فعالیت مورد داوری و بر اساس مقررات و در یک سازمان رسمی انجام می‌شود و داوری غیررسمی که بر پایه عرف مربوط به همان فعالیت، در بحث ما عرف علمی - و غالباً بدون درخواست فرد مورد داوری انجام می‌شود. بخشی از تاریخ علم سلسله داوری‌های غیررسمی و درجه دوم است که دانشمندان پسین به داوری در داوری‌های پیشینیان پرداخته‌اند.

گاهی داوری‌های علمی درجه دوم موضوع رساله‌های مهم شده است. به عنوان مثال، علامه حلی در المحاکمات بین شرح الاشارات به داوری در خصوص داوری‌های مخالفان و موافقان آراء بوعلی در اشارات می‌پردازد. المحاکمات بین شرحی الاشارات قطب‌الدین رازی نیز چنین است.^۱ بحث از داوری درجه دوم در اخلاق داوری از چند جهت اهمیت دارد: یک، توجه به داوری‌پذیری داوری، اساساً غفلت‌زدا و سبب دغدغه اخلاقی نسبت به مسئولیت‌های داوری است. اینکه من (داور درجه اول) بدانم که داوری‌ام مورد داوری (درجه دوم) قرار خواهد گرفت، هشیاری من نسبت به مسئولیت‌های اخلاقی داوری و خودارزیابی من را نسبت به فرایند داوری افزایش می‌دهد.

دو، داوری درجه دوم به داوری معاصران پایان نمی‌یابد بلکه سلسله داوری‌ها در تاریخ علم تداوم می‌یابد و این سلسله داوری بی‌پایان نیست. بر حسب آموزه‌های اسلامی داور نهایی خداوند متعال است که از طرفی، فعالیت هیچ کسی در هیچ لحظه از او پنهان نیست، از طرف دیگر او را هر لحظه شأنی است و از طرف دیگر او ظلم را دوست ندارد و از مظلومان حمایت می‌کند. به روز داوری، احکم الحاکمین به داوری درباره همه داوری‌ها خواهد پرداخت، داوری بی‌نقص و فراگیر. این آموزه ضمانت اجرایی اثر بخش برای داوری اخلاقی است.

۴. آسیب‌پذیری اخلاقی در داوری علمی

توسعه جامعه در گرو رشد، سرآمدی و تعالی نظام آموزش عالی در دو عرصه آموزش و پژوهش است.^۲ رشد علم در مراحل مختلف و به صورت‌های گوناگون با امر داوری مرتبط است. داوری در حوزه دانش به دو گونه فردی و نظام‌مند صورت می‌گیرد. داوری علمی در هر دو گونه یاد شده یا به سنجش فعالیت علمی یک شخص (اعم از دانشجو، استاد، محقق) و یا ارزیابی فعالیت علمی یک سازمان و مؤسسه آموزش و پژوهش معطوف است. بر این اساس می‌توان گفت: داوری علمی از تنوع و پیچیدگی برخوردار است. جمله گرانبه‌ای «اگر عالمی فاسد شود، عالمی فاسد

۱. تفصیل ماجرای داوری‌های درجه اول و درجه دوم معطوف به فعالیت‌های علمی ابن‌سینا در اشارات در: فرامرزق‌الملکی، احد. الاشارات و التنبيهات سرآغاز منطق دو بخشی. آینه پژوهش. شماره ۲۴. ص ۱۳.
۲. درباره پیوند توسعه علمی با توسعه جامعه و نیز تعاریف مختلف از توسعه علمی را رجوع کنید به: ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۳). دانشگاه ایرانی. تهران: کویر. ص ۵۷-۳۳.

می‌شود» اهمیت توجه به نتایج داوری علمی نسبت به فعالیت‌های آموزشی پژوهشی را نشان می‌دهد. برخی از گونه‌های مهم داوری علمی و آسیب‌پذیری اخلاقی هریک را بر می‌شماریم.

۴.۱. داوری در توانایی علمی و شایستگی افراد متقاضی ورود به مقاطع تحصیلی در آموزش عالی، به ویژه در تحصیلات تکمیلی، یکی از مواضع داوری علمی است. داوری ناروا در این مقام نقش مخرب در تعالی فرهنگی و توسعه علمی کشور دارد. سوگیری، مواجهه هیجانی، سلیقه‌گرایی، رانت اطلاعاتی، سهل‌انگاری، شتاب‌زدگی، فقدان نظام جامع از عوامل آسیب‌زا در این مقام‌اند. از آنجا که چنین داوری در واقع به داوری رقابتی معطوف است، بد داوری سبب تبعیض و ظلم به افراد نیز می‌شود.

۴.۲. داوری در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نقش مهمی در نظام آموزش علمی دارد. پایان‌نامه‌های ارشد و سطح سه و رساله‌های دکتری و سطح چهار نتیجه فعالیت علمی گروهی (دانشجو/ طلبه، استاد یا استادان راهنما، استاد یا استادان مشاور) است. مواجهه هیجانی با رساله‌ها، نقد دانشجو و احیاناً استاد راهنما به جای نقد رساله، عدم مطالعه دقیق و کامل رساله، کم‌انگاری محصول دیگران سبب بد داوری و بی‌انصافی می‌شود. بد داوری در این مقام سبب سرخوردگی جوانی می‌شود که در آستانه ورود به خدمات علمی و پژوهشی در جامعه است. دانشجو در جلسه دفاعیه از طریق آموزش غیرمستقیم^۱ شیوه مواجهه با رساله‌ها و نحوه داوری را نیز می‌آموزد: داوری به‌سزا یا داوری غیرمنصفانه. داوری شتاب‌زده و سهل‌گیرانه می‌تواند سبب بی‌حاصلی و افت علمی در این بخش از تولید علم باشد. مهم‌ترین مسئولیت اخلاقی در حرفه مدیران و رهبران نظام آموزش عالی ایجاد نظام جامع امور رساله‌ها برای هدایت، نظارت و حمایت از پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای است. یکی از ابعاد نظارت، نظارت بر درستی دقت داوری علمی و منصفانه بودن است.

۴.۳. داوری در خصوص فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی امر رایج در دانشگاه‌ها است. داوری در خصوص یک مقاله رسیده به مجله علمی پژوهشی رایج‌ترین گونه داوری است. داوران نشریه‌های علمی پژوهشی و علمی ترویجی، همچنین داوران انتشارات دانشگاهی و علمی، مسئولیت خطیری در قبال حقوق پژوهشگران و تعالی نظام آموزش عالی دارند. تولید علم به لحاظ عاطفی همانند فرزند است و اعضای محترم هیئت علمی تولیدات خود (مقاله یا کتاب) را عزیز می‌دارند. داوری در فعالیت‌های پژوهشی از طرفی با حقوق صاحبان اثر، مانند اعتبار پژوهشی (گرانث)، تبدیل وضعیت و ارتقاء، مرتبط است و از طرف دیگر توسعه علمی کشور در گرو کیفیت پژوهش است. به همین دلیل داوری در این مقام امری حساس و محتاج دقت، روش و ضوابط است. داوری اعضای هیئت تحریریه در فرایند تصمیم‌سازی جهت انتشار مقاله نیز شامل همین بحث است. سلیقه‌گرایی و خلط نقد و داوری دو آفت عمده در داوری مقاله‌ها است.

داوری مقاله‌ها و آثار علمی از جهات مختلفی قابل نقد و تأمل است: سلیقه‌گرایی، اعمال مبانی و دیدگاه‌ها توسط داور (اینکه داوران مقاله را صرفاً بر ترازوی مبانی و آراء خود می‌سنجند) در آمیختن مقام نقد و داوری، مواجهه هیجانی با محصولات علمی، در مواردی غیرمتخصص بودن داور در موضوع مقاله (و نه گستره معرفتی) نمونه‌هایی از مواردی‌اند که برای اخلاقی شدن فرآیند داوری مقاله‌ها و آثار باید پیشگیری شوند.

۴.۴. داوری در هیئت ممیزه ابعاد پیچیده‌تری دارد. فعالیت‌های چند ساله آموزشی، پژوهشی و اجرایی اعضای محترم هیئت علمی در هیئت ممیزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر یک از اعضای هیئت ممیزه بر اساس داوری کلی در پرونده متقاضی به رأی می‌رسد. سهیل‌انگاری در این مقام، به دانشگاه و نظام آموزش عالی آسیب می‌زند و سخت‌گیری خلاف مقررات و غیرمنصفانه حقوق افراد را تضييع می‌کند. پیچیدگی داوری در هیئت ممیزه در این است که اعضای منتخب دانشکده‌ها از طرفی شأن قاضی و داور را ایفا می‌کنند و از طرف دیگر شأن وکیل اعضای هیئت علمی دانشکده را دارند. این دو مقام در موارد فراوانی تعارض می‌یابند. حل اثر بخش این تعارضات، محتاج مهارت‌های خاصی است.

هدایت، نظارت و حمایت سه وظیفه اخلاقی سازمان‌های علمی‌اند. توجه سازمان به این سه وظیفه سبب می‌شود تا نظام دقیقی برای داوری درجه دوم نسبت به داوری هیئت ممیزه ایجاد شود به گونه‌ای که اگر عضو هیئت علمی نسبت به داوری هیئت ممیزه اعتراض داشته باشد، مرجع سومی به صورت داوری رسمی (بر اساس مقررات و الزام حرفه‌ای) به داوری درجه دوم می‌پردازد. یکی از آسیب‌های رایج در تاریخ هیئت‌های ممیزی در نظام آموزش عالی کشور سنجش فعالیت علمی در همه رشته‌ها (علی‌رغم تنوع اساسی) با مقیاس واحد (غالباً مقیاس پیشنهاد شده استادان علوم فنی و پایه) است. به تعبیر کانت بدترین آفت در علم به هم ریختن مرز علوم است (کانت، ۱۳۶۲: ۲۴). البته چنانچه در مواضع دیگر توضیح داده شده است این سخن منافاتی با اخذ رهیافت بین رشته‌ای در چارچوب نظری گستره‌ها ندارد. به عنوان مثال، تصحیح انتقادی و علمی یک اثر ارزش و جایگاه خود را نمی‌یابد. در حالی که احیای میراث علمی گذشتگان هم مهم است و هم محتاج دانش تخصصی، مهارت پژوهش و تلاش فراوان است. نگارنده که هم در تألیف و هم در تصحیح فعالیت داشته است، تصحیح علمی را به مراتب صعب‌تر از تألیف علمی یافته است و همه محققان علوم انسانی که تجاربی در امر تصحیح دارند بر این سخن باور دارند. اعضای محترم هیئت ممیزه حق رأی دارند و رأی آنان حاصل تحلیل و داوری در خصوص کارنامه علمی، پژوهشی و اجرایی همکاران است. تحلیل کارنامه بر اساس عناصر خاصی است. همه این عناصر مورد تصریح آیین‌نامه‌های مرتبط نیست. به عنوان مثال، چاپ شش مقاله در پنج نشریه وزن بیشتری نسبت به چاپ ده مقاله در یک نشریه دارد. برخی از عناصر دخیل در داوری نانوشته‌اند و همین نانوشته بودن به لحاظ اخلاقی قابل تأمل است. حق بودن و درست بودن عناصر مور بحث امری است و نانوشته بودن آنها امر دیگری است. اعضای هیئت علمی

حق اطلاع‌یابی دارند و این حق شامل همه عناصری است که به منزله شاخص در داوری مورد لحاظ قرار می‌گیرند. اطلاع‌رسانی وظیفه اخلاقی سازمان است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸ ب).

یکی از مسائل مهم در داوری‌های علمی معطوف به ممیزی، تغییر سریع و زود هنگام آیین‌نامه‌ها و ضوابط است. اگر چه تغییر آیین‌نامه بر ادله و الزاماتی استوار است. اما می‌تواند دانشگاه‌ها را نسبت به اعضای محترم هیئت علمی غیرقابل پیش‌بینی سازد. پیش‌بینی ناپذیری یک سازمان آسیب‌های زیادی به بار می‌آورد، مانند بلا تکلیفی و اضطراب و تشویش در منابع انسانی.^۱ مراد از پیش‌بینی پذیری آ وجود خصلتی در سازمان است که محیط درونی و بیرونی بتوانند عملکرد سازمان را در خصوص حقوق خودشان [حقوق محیط] پیش‌بینی کنند. این خصلت، اساساً و بنا به تعریف یاد شده، خصلت اخلاقی است و نقش مهمی در اعتماد منابع انسانی نسبت به سازمان دارد.

داوری علمی منجر به ممیزی، بدون تردید، بر ضوابط و قوانین استوار است. برای حفظ خصلت پیش‌بینی پذیری یا نباید قوانین را تغییر داد و یا اعمال ضوابط جدید را به اطلاع‌رسانی و سپری شدن مدت معین، منوط کرد.

توجه به جنبه‌های احساسی و عاطفی نیز می‌تواند داوری علمی را به ویژه در ممیزی از بی‌طرفی خارج کند. به همین دلیل، طرح مسائل خصوصی و عاطفی افراد در بررسی کارنامه علمی، امر ناروایی است مگر آنکه در تبیین کارنامه علمی، مفید باشد. البته در این استثناء نیز میزان طرح مسائل خصوصی و نحوه آن باید بر اصل احتیاط باشد.

۴.۵. سنجش در رقابت‌های علمی گونه دیگری از داوری علمی است. امروزه نهادهای گوناگونی برای تشویق محققان برجسته عرصه دانش و پژوهش به معرفی و تقدیر مبادرت می‌کنند. جشنواره‌های علمی فراوانی مانند خوارزمی، فارابی، کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران، کتاب سال استان‌ها، کتاب سال دانشگاهی، حوزوی، پژوهشگر نمونه، برجسته، چهره‌های ماندگار، آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی و امثال آنها وسعت اهتمام به این امر را نشان می‌دهد.

پایبندی به انصاف و مدیریت احساسات منفی همچون رشک و حسد و پرهیز از اقدام‌های تلافی‌جویانه در این مقام دشوار است و با شکوه، زیرا غالب داوران در این گونه داوری خود به نحوی با سایر دانشمندان در رقابت علمی‌اند. به طور کلی داوری در همه عرصه‌های رقابت، اعم از تجاری، علمی، سیاسی و ... به لحاظ اخلاقی محتاج احتیاط، حزم و بی‌طرفی بیشتر است.

۴.۶. پیچیده‌ترین گونه داوری علمی، داوری در خصوص مجموعه فعالیت‌های علمی یک دانشگاه یا مؤسسه علمی است. امروزه در جهان نظام‌های مختلف ارزیابی در این مقام وجود دارد.

۱. تفصیل سخن در خصوص پیش‌بینی‌پذیری:

- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۶). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: سرآمد.

- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). اخلاق سازمانی. تهران: سرآمد.

۵. نقش اخلاقی تمایز داوری علمی و ارزش داوری

یکی از رایج‌ترین داوری‌ها، حکم در خوبی و بدی کردار یا گفتار افراد است. چنین داوری را که ارزش داوری یا داوری اخلاقی می‌انگاریم، غالباً به نحو ابتدایی و نه در پاسخ به درخواست کسی انجام می‌دهیم. رفتاری را نکوهش و کرداری را ستایش می‌کنیم. فردی را متخلق، منصف و شریف می‌انگاریم و کسانی را غیر اخلاقی و بی‌مبالات می‌دانیم. رفتار، گفتار، شخصیت، خلق‌وخوی و خصلت‌های افراد را پیوسته مورد ارزش داوری قرار می‌دهیم. داوری اخلاقی در زندگی شخصی، محیط شغلی، تعاملات اجتماعی و سیاسی رواج دارد. ارزش داوری درباره رفتار یک فرد تلقی ما را از وی سامان می‌دهد و تلقی ما از کسان منشأ مواجهه خاص و رفتار معین با آن کس می‌شود. تأمل در این زنجیره علی‌الاهمیت احتیاط در ارزش داوری را نشان می‌دهد. فعالیت علمی اساساً آکنده از آثار و لوازم فرهنگی و اخلاقی است و لذا داوری علمی را نمی‌توان صرفاً به داوری در ابعاد علمی یک فعالیت محدود کرد اما سخن این است که در این مقام باید دو گونه داوری را متمایز از یکدیگر و توسط متخصصان دو گونه داوری به انجام برسانیم. در آمیختن این دو مقام آسیب‌زاست.

ارزش داوری در شخصیت صاحب نظریه به جای داوری علمی نظریه وی، اخذ ارزش داوری شخصیت فرد به جای داوری اخلاقی در رفتار وی و پناه آوردن به ارزش داوری ناقد به جای تحلیل و نقد، از مواضع خطا در ارزش داوری است.

۱۴

۶. داوری عرفی

در گزارش از گونه‌های مختلف داوری نباید داوری عرفی را از قلم انداخت. در زندگی شخصی و تعاملات اجتماعی درباره بسیاری از مسائل به نحو غیر حرفه‌ای داوری می‌شود. در عرف درباره کسان، فایده یا بی‌فایده‌گی تصمیم‌ها، شایستگی‌ها و نا شایستگی اشخاص سخن می‌گوییم. فعالیت‌های علمی نیز مورد داوری عرفی قرار می‌گیرد. مراد از داوری عرفی در این مقام عرف دانشمندان و محققان یک گستره معرفتی است.

برترین گونه داوری عرفی، برچسب زدن است. مخرب‌ترین بد داوری در داوری عرفی، اظهار نظرهای ناسنجیده والدین در خصوص توانایی، استعداد و رفتار فرزندان در حضور دیگران است. تملق و چاپلوسی غالباً با داوری مبالغه‌آمیز استوار است که به خودباختگی و پندار کمال می‌انجامد. داوری‌های عرفی نقش مهمی در پیوستگی‌ها و گسستگی خانواده‌ها، همسایه‌ها، اصناف و سایر گروه‌های اجتماعی دارد. وقتی درباره اشخاص و توانایی‌های آنان سخن می‌گوییم به این اصل باید توجه کنیم که تمجید بیش از استحقاق، چاپلوسی و تملق است و کمتر از استحقاق تنگ نظری و حسد است.^۱

۱. برگرفته از روایت «الثناء باکثر من الاستحقاق ملق و تقصیر من الاستحقاق عی و حسد»؛ رضی، شریف (۱۳۸۷). نهج البلاغه. ضبط: صبحی صالح. بیروت. حکمت ۲۴۸.

۷. ترازوی داوری

همیشه در معرض داوری افراد قرار می‌گیریم و داوری‌ها را مورد سنجش و دادرسی قرار می‌دهیم. داوری در میدان بازی داوری می‌کند و کارشناس داوری درباره وی به داوری می‌نشینند و تماشاگران و علاقه‌مندان بازی درباره هر دو، داور و کارشناس داوری به داوری می‌پردازند. ترازوی سنجش داوری چیست؟ آیا علی‌رغم گونه‌های مختلف داوری می‌توان ترازوی واحدی در سنجش آنها به کار بست؟

مهم‌ترین ترازوی داوری اصابت به حق یا مطابقت با واقع است. داوری در جامه یک گزاره «الف ب است» ارائه می‌شود و این گزاره یا صادق است یا کاذب. صدق، توقعی است که از داوری داریم. اما چگونه می‌توان به داوری صادق و دقیق رسید؟

وصول به داوری دقیق را در گرو دو گونه اقدام می‌توان دانست. اقدام‌هایی از جنس ضوابط منطقی و روش‌ها و ابزارهای حرفه‌ای. مراد از ابزارهای حرفه‌ای، چارچوب نظری گستره‌ای است که داوری به آن گستره متعلق است مانند ورزش و رقابت علمی. گونه دوم، مهارت اخلاقی است که انصاف در داوری را تأمین می‌کند.

۸. اصول مهم در داوری درست

۱- اصل تقدم فهم کامل بر داوری. تا از امر مورد داوری فهم قابل اعتماد نداریم، نمی‌توانیم به داوری شایسته دست یابیم. مواجهه هیجانی و شتاب‌زدگی سبب می‌شود بدون فهم کامل امری به داوری درباره آن پردازیم. داوری باید براساس تصدیق علمی، دانستن و معرفت^۱ باشد و نه صرف باور و اعتقاد^۲. معرفت یا علم، باور صادق ثابت یا موجه است و لذا هرگونه داوری بدون مستندات لازم و ادله کافی مسئولیت اخلاقی دارد. شتاب‌زدگی، مطالعه بخشی از یک فعالیت علمی، اکتفاء به گزارش دیگران از آن فعالیت علمی، از عواملی است که مانع فهم کامل فعالیت علمی مورد داوری می‌شود.

۲- اصل برخورداری از اطلاعات شایسته و پرهیز از تکیه حصرگرایانه بر داده‌ها و مواد خام. غالباً بین داده،^۳ به عنوان مواد اولیه خام، و اطلاعات^۴ به عنوان مواد اولیه شایسته تمایز می‌نهند (فرامرزق‌راملکی، ۱۳۸۶) توجه به این تمایز و بنا نهادن داوری بر اطلاعات (نه صرفاً داده‌ها) یکی از شرایط درستی داوری است.

۳- نظام‌مند کردن داوری. داوری حاصل ارزیابی دقیق و قابل اعتماد است. ارزیابی در زمینه‌های مختلف محتاج الگوی علمی است. امروزه در برخی از شئون حرفه‌ای به چنین نظام‌هایی دست یافته ایم. ISO، EFQM، نمونه‌هایی از نظام‌های سنجش و ارزیابی‌اند. در هر

1. Knowledge
2. Believe
3. Data
4. Information

نظام ارزیابی، مفاهیم کلیدی به صورت واضح و متمایز تعریف می‌شوند، ملاک‌ها و زیرملاک‌های سنجش و نشانگرهای معین و منطق تحلیل داده‌ها طراحی می‌شوند. تا بتوان به داوری درست دست یافت.

۴- اصل تمایز اطلاعات مشاهده‌ای و اطلاعات تبیینی. در داوری‌های عرفی، غالباً، دو مقام تبیین و مشاهده در آمیخته می‌شود. افراد امری را مشاهده می‌کنند و به تحلیل ذهنی و تبیینی از آن امر دست می‌یابند، اما فاصله بین مشاهده و تبیین را مورد توجه قرار نمی‌دهند و تبیین خود را مشاهده می‌پندارند. می‌گویند: خودم دیدم که فلانی حسودی می‌کرد؟ در حالی که حسودی امر مشاهده‌ای نیست بلکه تبیینی از یک رفتار است. جستجو از مستندات و ادله داوری، فاصله بین مشاهده و تبیین را نشان می‌دهد.

۵- اصل سنجش‌پذیری. داوری برحسب مفاهیم کلی، لغزنده است. داوری درست محتاج درستی مفهوم و ملاک‌های سنجش است. به عنوان مثال وقتی می‌خواهیم در فرایند انتخاب استاد نمونه، داوری کنیم. این داوری بر چه مفهوم روشن از «نمونه» استوار است؟ از این طریق می‌توان به داوری مستدل و مستدل دست یافت. همچنین است پژوهشگر برجسته، استاد ممتاز و ...



۹. اصول مهم در اخلاق داوری

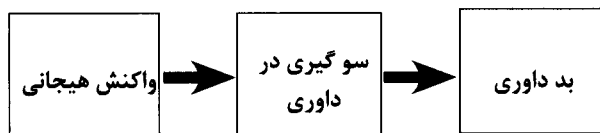
انصاف در داوری مهم‌ترین اصل اخلاقی در هر گونه داوری است. توصیه‌های زیر را به مسامحه می‌توان اصول اخلاقی خواند که رعایت آنها می‌تواند سبب انصاف در داوری باشد.

۱- اصل توجه به مسئولیت اخلاقی در امر داوری. داوری علمی فعالیت است که با حقوق بسیاری از کسان (صاحب فعالیت، جامعه علمی و منافع ملی) مرتبط است. حق الناس در آموزه‌های اسلامی جایگاه بسیار مهمی دارد.^۱ فرد اخلاقی نسبت به مسئولیت اخلاقی خویش در امر داوری وقوف دارد و این مسئولیت‌پذیری سبب شناخت و پایبندی به حقوق فردی می‌شود که در خصوص وی یا محصولات وی به داوری می‌نشینیم.

۲- دوری از داوری در خصوص امری که در حوزه تخصصی فرد قرار ندارد. فرد منصف، پایبند به تخصصی بودن داوری است و ورود به حوزه‌های غیرتخصصی، را عامل وقوع خطا می‌داند.

۳- اصل واکنش هوشمندانه و پرهیز از عکس‌العمل هیجانی. مقابله به مثل، تلافی کردن، روی کم‌کنی و امثال این واژه‌ها نشانگر مواجهه هیجانی با فرد مورد داوری است و سبب انحراف داوری از طریق انصاف است. واکنش‌های برخاسته از هیجانات، بی‌طرفی در داوری را به مخاطره می‌اندازد و سوگیری در داوری به بد داوری می‌انجامد.

۱. درباره ابتناء مسئولیت‌های اخلاقی بر حق الناس نک: فلاح، محمدجواد. (۱۳۸۹). نقش راهبردی رساله‌الحقوق در اخلاق کاربردی. در اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. احد فرامرز قراملکی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی. بخش دوم. فصل نهم.



واکنش هیجانی عکس‌العمل ما در برابر محرک‌های عاطفی است که به صورت خشم، حب، بغض، کینه و مانند آنها بروز می‌کند. فرد اخلاقی به تعبیر مولوی می‌گوید: «تیغ حلمم گردن خشمم زدست» (مولوی، ۱۳۸۰: دفتر اول، بند ۳۸۰۰).

زیرا خشم، مانند دیگر هیجانات سبب نابینایی نسبت به واقعیات عینی می‌شود و فرد را از تعادل در داوری باز می‌دارد.

خشم و شهوت مرد را احوال کند زاستقامت روح را مبدل کند

۴- پرهیز از شتاب‌زدگی. تقاضای فراوان در عرصه داوری‌های حرفه‌ای، اعم از حقوقی، علمی و .. و تعداد اندک متخصص صاحب‌نظر نباید سبب شتاب‌زدگی در داوری شود. پذیرفتن مسئولیت داوری ده‌ها مقاله، رساله، کتاب و طرح‌های تحقیقاتی فرصت بررسی دقیق را از بین می‌برد و شتاب‌زدگی سبب سهل‌انگاری و خروج از طریق انصاف می‌گردد. متأسفانه جمله «البته من وقت نکردم این رساله را بخوانم اما باید بگویم که ...» بارها در جلسات دفاعیه از برخی از داوران و حتی مشاوران شنیده می‌شود. مطالعه نکردن کتاب مورد داوری یا مطالعه موردی و نمونه‌ای سبب بد داوری می‌شود.

۵- اصل استقلال داور. امروزه این اصل به لحاظ تصدیقی بدیهی می‌نماید اما تحلیل دامنه و ابعاد آن هنوز محتاج بررسی است. عوامل ناپیدای فراوانی استقلال داور را تهدید می‌کنند. فضای ساختگی له و یا علیه اشخاص مورد داوری یکی از این عوامل است که سبب سوء‌گیری داوری می‌شود. کسانی که افراد را به یا با من یا علیه من تقسیم می‌کنند، در واقع استقلال در داوری را نیز از دست می‌دهند.

چون غرض آمد هنر پوشیده ماند صد حجاب از دل بسوی دیده شد

چون دهد قاضی بدل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار (مولوی، ۱۳۸۰:

دفتر اول بیت ۳۳۴)

۶- اصل طلایی بر دیگران بپسند آنچه خود می‌پسندی. یکی از شاخص‌های سنجش بی‌طرفی و انصاف در داوری جابجا کردن جایگاه داور با شخص مورد داوری است. اگر در حق من چنین داوری می‌شد، آن را روا می‌دیدم؟ این آزمون از حیث تردیدآوری در منصفانه بودن داوری مفید است. البته علم قطعی به آن نمی‌آورد. این اصل توصیه می‌کند در مورد افراد چنان داوری کن که دوست داری درباره تو همان داوری انجام شود.

۷- اصل پرهیز از پیش‌داوری. داوری فرایندی است که پایان آن حکم است و نه آغاز آن. کسی که با حکم جزم‌گرایانه پیشین به داوری می‌پردازد، از بی‌طرفی محروم می‌شود. این سخن به معنای آن نیست که داوری با فرضیه آغاز نمی‌شود. داوری نظام‌مند، غالباً با فرضیه آغاز

می‌شود. اما فرضیه پاسخ حدسی (و نه حکم جزم‌گرایانه) داور است که بر اساس مستندات و ادله می‌تواند رد یا اثبات شود.

عوامل دیگری نیز وجود دارند که انصاف و بی‌طرفی در داوری را به مخاطره می‌اندازند. وقوف خود شناسانه بر این عوامل می‌تواند نقش پیش‌گیری داشته باشد. رشک به ویژه حسد نقاب‌دار، ذوق هزل و طنز به جای نقد و داوری، خوی بدبینی و بدگمانی، خصلت عیب‌جویی از جمله این عوامل‌اند.

۸- اصل پرهیز از حقیرانگاری.^۱ یکی از مصادیق بد داوری، حقیرانگاری دیگران و ناچیز پنداری توانایی‌ها، دارایی‌ها و تولیدات و محصولات افراد است. ناچیز انگاری در واقع نوعی پیش‌داوری است و به ویژه در داوری‌ها و ممیزهای علمی آسیب‌زا است. در قرآن مجید توصیه بسیار مهم از زبان حضرت شعیب بارها به میان آمده است (مانند سوره انعام، سوره هود، سوره شعراء: ولا تبخسوا الناس اشیاءهم). غالباً مفاد این آیه را بر اساس قرائن و سیاق به کم فروش تفسیر کرده‌اند: در معاملات، کالای مردم را کم نکنید. اما آیه مفهوم عامی دارد: اشیاء مردم را حقیر ندانید و کم ارزش تلقی نکنید و این در واقع ترسیم یکی از شرایط داوری منصفانه در خصوص توانایی‌ها و محصولات افراد است. به همین دلیل است که برخی از مفسران مفاد آیه را به معنای «در حق مردم ظلم نکنید» تفسیر می‌کنند.^۲ مراد این است که در مقام داوری نباید صرفاً به عیوب نظر دوخت بلکه باید محاسن و امعایب را با هم مورد تحلیل قرار داد. حافظ درباره کسانی که صرفاً نظر به عیب می‌اندازند و بد دیدن الگوی رفتاری آنان است، تبیینی جالب دارد: که هر که بی‌هنر افتد نظر به عیب کند.

۹- اصل رازداری. در فرایند داوری، اطلاعات فراوانی فراچنگ داور می‌افتد. افشای این اسرار حقوق فرد را تضییع می‌کند. سازمان‌ها به لحاظ اخلاقی موظف‌اند برای حفظ اسرار در فرایند داوری تدابیر امنیتی را اخذ کنند.

۱۰- اصل پرهیز از مبالغه و اغراق. مراد از مبالغه، زیاده‌روی، افراط و بزرگ نمودن واقعیت است. دانشمندان علوم بلاغت، مبالغه و اغراق را به عنوان تزئین سخن ستوده‌اند اما در مواضعی مبالغه ناروا است و داوری یکی از این مواضع است.

۱۱- اصل مشورت. تکیه حصر‌گرایانه و مستبدانه بر تشخیص خویش گمراه کننده است. در داوری منصفانه نیازمند به دیدگاه جمعی و بهره‌مندی از مشاوره هستیم. در برخی رقابت‌های ورزشی، هنری و علمی این اصل نهادینه شده است و به جای داور، هیئت داوری یا شورای داوری مسئولیت امر خطیر داوری را بر عهده می‌گیرد.

1. Decrying

۲. مانند رازی، ابوالفتوح. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. ذیل آیه ۱۸۵ سوره هود.

منابع

۱. اسلامی، سیدحسین. (۱۳۸۳). اخلاق نقد. قم: نشر معارف.
۲. اسلامی، سیدحسین. (۱۳۸۹ الف). اخلاق مخالفت. فصلنامه هفت آسمان. شماره ۴۷.
۳. اسلامی سید حسن. (۱۳۸۹ ب). اخلاق مناظره. در اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. به اهتمام احد فرامرز قراملکی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ۲۸۸-۲۴۹.
۴. بریموندی، محمدحسین. (۱۳۸۹). داوری. قم: انتشارات زائر.
۵. بلخی، مولانا جلال الدین. (۱۳۸۰). مثنوی معنوی. تصحیح محمد رضا برزگر خالقی. تهران: زوار.
۶. ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۳). دانشگاه ایرانی. تهران: کویر.
۷. رضی، شریف. (۱۳۸۷ ق). نهج البلاغه. ضبط: صبحی صالح. بیروت.
۸. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۶). اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهش. قم: مدیریت حوزه علمیه قم.
۹. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۶). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: سرآمد.
۱۰. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸ الف). اخلاق سازمانی. تهران: سرآمد.
۱۱. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸ ب). نقد در ترازوی اخلاق. کتاب ماه دین. شماره ۱۴۱. تیر.
۱۲. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۹). الاشارات و التنبيهات سرآغاز منطق دو بخشی. آینه پژوهش. شماره ۲۴.
۱۳. فلاح، محمد جواد. (۱۳۸۹). نقش رساله‌الحقوق در اخلاق کاربردی. در اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. احد فرامرز قراملکی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اجتماعی.
۱۴. کانت، ایمانوئل. (۱۳۶۲). سنجش خرد ناب. ترجمه ادیب سلطانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. گرشاسبی، اصغر. (۱۳۸۸). هنر و فن میانجی‌گری. تهران: نشر مهاجر.
۱۶. مولوی. (۱۳۸۰). مثنوی معنوی. تصحیح محمد رضا برزگر خالقی. تهران: زوار.

17. Kurtz p. (2004). *Can the Sciences Help Us to Make Wise Ethical Judgment? Skeptical Inquirer*. Vol. 28. 5. September/October 2004.

17. Edel, A. (1995). *Ethical Judgment: The Use of Science in Ethics*, Glencoe. III.: Free Press, pp 348.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی